

اتیمولوژی لغت ترکی "قوروم - قوروب" (گروه) و علت یافته شدن آن در زبانهای مختلف

GUR (Sumer) ↔ GURU (Sumer) ↔ GURUM(Sumer) ↔ KUR-mak ; QUR-mak (Türk) ↔ KURUM; QURUM(Türk) ↔ KUVRAG(Gök-Türk) ↔ KURULTAY (Türk) ↔ Kuriya- Curia (Etrusk) ↔ KRUPPA (Germanic) ↔ GRUPPO (Italian) ↔ GROUP (English) ↔ گروه

لغت ترکی - سومری "قور" = "حلقه و گرد" یا به معنی "حلقه زدن و گرد آمدن" را باید ریشه اصلی لغت "قوروم" ، قوروب" دانست. این لغت در آلمانی بصورت "کروپا KRUPPA" دیده میشود و احتمالاً از دوران کوچ کشاورزان (سومری یا همزبان آن) از سومر به اروپا و یا کوچی - تماسی دیگر التصاقی وارد زبانهای ژرمنی میشود (ژرمنها در اردوی هونها و آتیلا شرکت داشتند و متحد هونهای ترک در اروپای مرکزی محسوب می شدند و احتمالاً در تشکیل "قورولتای" ها و "قوروم" ها شرکت داشتند. "قروب" = "سازمان، تشکیلات منظم" را باید یک "لشکر نظامی هونی" دانست) و از طریق آن بصورت "قوروپپو gruppo" وارد زبان ایتالیایی و سپس سایر زبانهای اروپایی میشود و سپس مثلاً بصورت "قوروپ group" در زبان انگلیسی دیده میشود. به زبان فارسی از زبانهای بومیان التصاقی زبان ماقبل پارسی بصورت "گروه" وارد میگردد. ولی به معنی گرد بصورت "گروه" ، "گیده" ، "گرد" ، "گیده کان" در ترکی و فارسی دیده میشود دیده شدن این کلمات در فارسی می تواند یا از طریق بومیان التصاقی زبان ایران (ما قبل پارسی) یا از طریق بین النحرین-مسوپوتامیا باشد.

در این لغت زبانهای اروپایی و فارسی فاقد یک ریشه فعلی و محکم است و لذا کلمات و افعال دیگری ایجاد نمی کند ولی در ترکی و سومری لغات بسیاری را دارد چون در زبان هم‌ریشه خود هست.

بررسی لغات و افعال مرتبط با "قوروم - قوروب" در زبان ترکی :

لغت ترکی "قور" = حلقه، کمر بند ، "قورشاق" = کمر بند ، گرد، رنگین کمان، "قورماق" = برپا کردن ، "قوروم - قوروب" = جمعیت ، انجمن، مجموعه ، گروه ، "قوروراق" = مردم ، گروه ، "قورچوق" = مردم ، "قوروم" = سازه ، انجمن و ... و "قورشاماق" = کمر بند، احاطه کردن و در میان گرفتن قلاع و همچنین "قورشاماق" ، "قورشاماق" ، "قورشاماق" و ...

در سنگ نوشته های ترکی اورخون و ینی سی ما به این لغات مرتبط برخورد می کنیم:

KUVRAG: Toplum, toplumcu ↔ مردم، جمعیت

KURULTAY: birlikKurul/Tay Kongre, divan, oturma Gerek seçim, gerekse devlet için önemli kararların alındığı seçkinler meclisi ↔ کنگره، دیوان، نشست برای رای گیری برای امور مهم و دولتی

TOYGAN: 1- Kurultay üyesi 2- Bir kuş türü 3- Genç, taze ↔ عضو قورولتای که حق رای دارد

- **KURUM:** 1- Kuruluş, düzen, düzenleme 2- Çalım, jest, afi 3- Kaya parçası ، انجمن ، ساختار ، سیستم ↔
- **KURÇIK:** Kurum, kuruluş, yapılanma ↔ برپا ، ساختار ، انجمن،
- **KURTAK:** Kurulu, ayarlı ↔ برپا

KURUL: cmmittee ↔ کمیته

در "سنگلاخ" که در دوره نادرشاه بدست میرزا مهدی استرآبادی نوشته شده است لغات زیر را هم‌ریشه با "قوروم-قوروب" داریم:

قور qur-qor [1] کمربند، و [2] سلاح، [3]چینه دیوار، و [4] شرر و اخگر، و [5] حلقه حلقه نشستن اهل سرور و جشن و..... <فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی استرآبادی>

قورشاماق qurşamaq – قورشوماق qurşumaq [1] کمربند، و [2] احاطه کردن و در میان گرفتن قلاع <فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی استرآبادی>

قورشاتماق qurşatmaq (متعدی است) <فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی استرآبادی>

قورشالماق qurşalmaق و **قورشانماق qurşanmaq** (انفعال باب باشد) <فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی استرآبادی>

قورشاق qurşaq کمربند <فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی استرآبادی>

قورولتای و قوریلتای مجمع عظیم که برای مشاوره باشد. <فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی استرآبادی>

و در زبان ترکی معاصر هم لغات بسیاری است که از آوردنشان صرف‌نظر میکنم مثلاً :

قوروجو: موسس و سازمان دهنده

در زبان سومری که مثل ترکی التصاقی و هم‌ریشه با ترکی فعلی است داریم:

gur

gur [CIRCLE] wr. **gur**₂ "loop, hoop, circle" Akk. kippatu; šumutu ↔

↔ گرد ↔ در ترکی به صورت "قور" و "گیرده" هم‌ریشه با سومری است ↔ بصورت "گُره" ، "گیرده" ، "گرد" ، "گیرده کان" در ترکی و فارسی دیده میشود و دیده شدن این کلمات در فارسی می‌تواند یا از طریق بومیان التصاقی زبان ایران (ما قبل پارسی) یا از طریق زبانهای بین النحرین-مسوپوتامیا وارد شده باشد که خود از سومری گرفته شده است.

[gur \[RIM\]](#) wr. ^{êš}**gur**₂ "(circular) rim" Akk. kippatu ↔ çevre ↔ و "قنر" در ترکی بصورت "قنر" و "قنراق" هم‌ریشه با سومری دیده میشود

[guru \[HEAP\]](#) wr. **guru**₇; **gur**₁₁ "to heap up" Akk. kamāru; karû ↔ برپا ساختن و انباشتن که در ترکی بصورت لغات هم‌ریشه "قور" و "قورماق" دیده میشود.

[gar \[HEAP\]](#) wr. **gar** "to heap up" Akk. garānu = Kalamak- Kaldırma – Kurma – Kayırma ve ... ↔ قورماق-قور انباشتن بر روی هم

[guru \[STORE\]](#) wr. **guru**₇ "grain heap, grain store; unit of capacity" Akk. karû ↔ انباشته‌گندم

gurum

[gurum \[BEND\]](#) wr. **gurum**; **gur**₈; **gur**; **gurumx(GURUN)** "to bend, curve, wrap around; to bow; to roll up; to curb, restrain; to watch over" Akk. kanāšu; kanānu; kapāpu; qadādu ↔

گرد کردن و دور چیزی را بستن ↔ در ترکی "قورشاق" = کمر بند و "قور، قورشاق" = شال بسته بندی ↔

[ġiri niġin \[CIRCLE\]](#) wr. **ġiri**₃ **niġin** "to circle" Akk. ? ↔

↔ به ترکی لغت هم‌ریشه "گیرده" را داریم که بصورت "گرد" از زبانهای التصاقی بومی ایران ماقبل پارسی یا بین النحرینی وارد فارسی شده است

assembled

[gu ġar \[GATHER\]](#) wr. **gu**₂ **ġar**; **gu**₂ **ġa**₂-**ġa**₂ "to gather" Akk. puhhuru ↔ جمع شدن، گرد آوردن ↔ قورماق آوردن ↔

[gu kin \[GATHER\]](#) wr. **gu**₃ **kin**; **gu**₃ **kin**₅ "to gather" Akk. pahāru ↔ جمع شدن، گرد آوردن ↔ قورماق

[gu si \[ASSEMBLE\]](#) wr. **gu**₂ **si** "to assemble" Akk. pahāru ↔ قورولتای - قورولتای ↔ قورماق، کنگره ↔ قورولتای

[gu'en \[THRONE ROOM\]](#) wr. **gu**₂-**en** "assembly room, throne room" ↔ سالن قورولتای، سالن تاجگذاری

[gu'enak \[ASSEMBLY\]](#) wr. **gu**₂-**en**-**na** "assembly of the lords" Akk. naphur ili ↔ قورولتای اصیل زادگان

در فارسی و ایتالیایی لغت "قروب-قوروم" را بدین معانی داریم:

گروه: "پهلوی groh"، جماعت، جمعی از مردم، دسته ایی از حیوانات، گره و گروهه و گروز نیز گفته شده. <فرهنگ فارسی عمید >

gruppo : [germanico kruppa](#) : • [insieme](#), [ammasso](#), [raggruppamento](#), [serie](#), [quantità](#)

• (senso figurato) [mazzo](#), [fascio](#), [ciuffo](#) _

همیشه گی لغت ترکی "قورولتای" ترکی با لغت اتروسکی "قوریا – CURIA"

GU'EN (Sumer) ↔ GU'ENAK(Sumer) ↔ Kurultay (Türk) ↔ CURIA-KURIA (Etrusk)

مطابق تحقیقات زبانشناس و متخصص زبانهای هندواروپایی "ایتالیایی"، ماریو آلینی Mario Alnei ، لغت "قوریا curia" به معنی "مجلس سنا" که در لاتینی و رم قدیم بکار برده میشود ریشه ایی اتروسکی دارد و همیشه با لغت "قورولتای" ترکی است. (قبلا برای قوریا یک اتیمولوژی بسیار ضعیف لاتینی درست میکردند.) آلینی زبان اتروسکیها را ترکی میدانند و در این مورد یک کتاب هم نوشته است. بعد از اینکه تحقیقات پژوهشگران نشان داد که "ژن" اتروسکیهای قدیم با ساکنین فعلی ترکی یکی است، تز آلینی نه تنها به علت شباهت زبانی ترکی-اتروسکی ، شباهت الفبای ترکی با اتروسکی و شباهت عادات ، نام خدایان ، اعتقادات و ... بلکه با شباهت ژنتیکی و نوشتار تاریخنویسان قدیم یونان راجع به مهاجرت اتروسکیها از لیدییا و بنیانگذارن روم از تروا ، آرام-آرام شروع به پذیرفته شدن از طرف محققین تاریخ گردید. علاوه بر "قوریا" در اتروسکی لغاتی که برای "قاضی" ، "شاهزاده و اصیل = تارخان tarquina" و ... بکار می رود کلا ترکی است. در معماری هم باز ما جایگاه این ارتباط را بصور مختلف می بینیم. (مثلا معبد گرد "پان تئون" که رسما یک چادر آلاچیق مقدس است و حتی چمبر باز وسط سقف هم مثل الاچیق هم باز گذاشته شده است. سقفبندی پان تئون با بافت داخلی یک آلاچیق یکی استف جایگاه قرار گیری خدایان در پانتئون با حالت گردشی از راست به چپ آلاچیق ها بخصوص جایگاه ارواح مقدس در "گوگ باش" = "آلاچیق مقدس آسمانی" هم یکی است)

در مورد چگونگی "قورولتای" ترکی که مشهورترین آن در زمان جدید "قورولتای نادرشاه افشار" در دشت مغان است کم تحقیق شده است ولی اکثر اساطیر ترکی به اهمیت "قورولتای" اشاره میکنند. (قورولتای در بین مغولان و ترکان هون هم اهمیت بزرگی دارد و عنوانهای "چنگیز" = روح آسمانی و "اتیلا" با اختیارت بزرگ در تصمیمگیری بوسیله قورولتای برای سرداران جنگی شناخته شده است.)

راجع به قورولتای تعاریف زیر را در ترکی داریم:

قورولتای و قورولتای مجمع عظیم که برای مشاوره باشد. <فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی استرآبادی>

KURULTAY: birlikKurul/Tay Kongre, divan, oturum Gerek seçim, gerekse devlet için önemli kararların alındığı seçkinler meclisi ↔ دولتی و امور مهم و کنگره، دیوان، نشست برای رای گیری برای امور مهم و دولتی

TOYGAN: 1- Kurultay üyesi 2- Bir kuş türü 3- Genç, taze ↔ عضو قورولتای که حق رای دارد ↔ جوان، تازه و یک نوع پرنده

KURUL: cmmittee ↔ کمیته

باید گفت که "قورولتای" به دوران بسیار قدیمتر بر میگردد بطوریکه حتی در بین سومرهای 5000 سال قبل هم موجود است و بنا

به نوشته سومر شناس معروف امریکایی "کرامر" این قورولتای های سومری پدر دموکراسی مدرن را تشکیل میدهد که بعدا در بین یونان قدیم هم رواج پیدا میکند. در حجیمترین و عمومی ترین قورولتایهای سومری تمام افرادی که میتوانستند بجنگند شرکت میکردند و در مورد جنگ و یا صلح با دیگران تصمیم می گرفتند. در سومری به تصمیم گیری جمع "دموگیر" گفته می شود و بصورت "جمهور" وارد زبان عربی میگردد و بصورت "دمو کراسی" به زبان یونانی وارد میشود. در سومری به ساکنین شهر "آدام" یا "دام - دمؤ" گفته میشود که بصورت "دؤمؤس" وارد یونانی میگردد. در ضمن در سومری به خانه هم "دام" گفته میشود که در ترکی هم بصورت "دام" رایج است و این لغت بصورت "دومو = خانه" از اتروسکی وارد لاتینی میگردد.

با باز گشت به بحث "قور"، ما در سومر لغات زیر را مرتبط با "قور" و "قورولتای" داریم:

تجمیع ، کنگره ← قورماق - قورولتای ← Akk. pahāru "to assemble" wr. **gu2** si [ASSEMBLE] [gu si](#)

↔ سالن قورولتای ، سالن تاجگذاری ↔ "assembly room, throne room" wr. **gu2-en** [THRONE ROOM] [gu'en](#)

↔ قورولتای اصیل زادگان ↔ Akk. naphur ili "assembly of the lords" wr. **gu2-en-na** [ASSEMBLY] [gu'enak](#)

به غیر از سومری ما این لغت را به عنوان قورولتای در بین ملل بومی آناتولی داریم و با مهاجرت اتروسکها از آناتولی (انتالیا- از میر) به ایتالیا (2800 سال قبل) این نوع کنگره های تصمیم گیری یعنی قورولتای هم به ایتالیا می رسد و در سالهای اولین روم فقط 3 ایل عمده در این "قورولتای" که "قوریو" نام دارد شرکت میکنند که خود از قورولتایهای دیگر تشکیل شده است. این قورولتای- قوریا بعدا پایه مجلس سنای فعلی غرب را تشکیل میدهد. تعداد نمایندگان "قوریو-قوریا" رومی 100 نفر بودند که بعد به 300 نفر افزایش می یابند. و بقیه را بصورت انگلیسی در زیر می آورم. در ضمن در ترکی به نمایندگان قورولتای که حق رای داشتند "تویگان" **TOYGAN** گفته می شد که معادل همان "سناتور" است. حال توضیحاتی را راجع به "توریا"ی رُم باستان را عینا به انگلیسی برایتان می آورم:

The Comitia Curiata

Main article: [Curiate Assembly](#)

The most important curiae at Rome were the 30 that together made up the *comitia curiata*. Traditionally ascribed to the [kings](#), each of the three [tribes](#) established by [Romulus](#), the *Ramnes*, *Tities*, and *Luceres*, was divided into ten curiae. In theory, each [gens](#) (family, clan) belonged to a particular curia, although whether this was strictly observed throughout Roman history is uncertain.^{[3][4]}

Each curia had a distinct name, said to have been derived from the names of some of the [Sabine women](#) abducted by the Romans in the time of Romulus. However, some of the curiae evidently derived their names from particular districts or eponymous heroes.^[4] The curiae were probably established geographically, representing specific neighborhoods in Rome, for which reason *curia* is sometimes translated as "[ward](#)".^[3] Only a few of the names of the 30 curiae have been preserved, including *Acculeia*, *Calabra*, *Faucia*, *Foriensis*, *Rapta*, *Veliensis*, *Tifata*, and *Titia*.^{[5][4]}

The assertion that the [plebeians](#) were not members of the curiae, or that only the dependents (*clientes*) of the [patricians](#) were admitted, and not entitled to vote, is expressly contradicted by [Dionysius](#)^[6] This argument is also refuted by [Mommsen](#).^[7]

Each curia had its own [sacra](#), in which its members, known as *curiales*, worshipped the gods of the state and other deities specific to the curia, with their own rites and ceremonies.^[8] Each curia had a meeting site and place of worship, named after the curia.^[3] Originally, this may have been a simple altar, then a [sacellum](#), and finally a meeting house.^[4]

The curia was presided over by a *curio* (plural, *curiones*), who was always at least 50 years old, and was elected for life.^[3] The curio undertook the religious affairs of the curia. He was assisted by another priest, known as the *flamen curialis*.^[4] When the 30 curiae gathered to make up the *comitia curiata*, they were presided over by a [curio maximus](#), who until 209 BC was always a patrician.^{[3][4]} Originally, the *curio maximus* was probably elected by the *curiones*, but in later times by the people themselves.^[4] Each curia was attended by one [lictor](#); an assembly of the *comitia curiata* was attended by thirty lictors.^{[4][9]}

The *comitia curiata* voted to confirm the election of magistrates by passing a law called the [lex curiata de imperio](#). It also witnessed the installation of priests, and adoptions, and the making of wills. The [Pontifex Maximus](#) may have presided over these ceremonies.^[3] The assembly probably possessed much greater authority before the establishment of the [comitia centuriata](#), which gradually assumed many of the curiate assembly's original functions.^[3]

Senate House

Since the [Roman Kingdom](#), the meeting-house of the Roman senate was known as the *curia*. The original meeting place was said to have been a [temple](#) built on the spot where the Romans and Sabines laid down their arms during the reign of Romulus (traditionally reigned 753–717 BC). The institution of the senate was always ascribed to Romulus; although the first senate was said to comprise 100 members, the earliest number which can be called certain is 300, probably connected with the three tribes and 30 curiae also attributed to Romulus.^[3]